

پان ترکیسم وطنی!

نقدی بر کتاب ترکان نوشته ی حسن راشدی

داوود - مهرانی

قسمت اول

آتشی را که تازیان و از پس آنان ترکان مغولی و بازمانده گان آن ها از ۱۴۰۰ سال پیش در ایران برافروختند، سده های دور ودرازی کشورمان جولان گاه یکی از عقب مانده ترین و وحشی ترین اقوام تاریخ گردید. قتل عام ها آغاز شد. فرهنگ، تمدن، کتاب و اندیشه سوزی رواج یافت و تفکر رواخواهی، رواداری و مسالمت جویی نژاد ایرانی را منهدم کرد.

تر ای کهن پیرِ جاویدِ برنا
ترا دوست دارم اگر دوست دارم
تر ای گران مایه دیرینه ایران
ترا ای گرامی گهر دوست دارم[1]

این کتاب مدح‌نامه‌ای است از ما قبل تاریخ تا امروز، برای ترکان جهان، از گستره ترکستان، چین و مغولستان، آسیای میانه، قفقاز، ارلن، ترکیه و سرتاسر ایران و ناسزا گویی و اتهام به فرهنگ ایرانی، به پارسیان، ساسانیان و دیگر سلسله‌های پادشاهی ایران.

هرگونه ژاژی که به فرهنگ تو تازد
جانکاه‌تر از نوحه زاغ و زغن است آن

این کتاب در هفته اخیر به دستم رسید به دلایل زیر نقدی و اعتراضی به این مدح‌نامه دارم.

۱- آذری هستم، تمامیت خواه برای سرزمین نیاکانی و باستانیم ایران زمین با حفظ وحدت ملی.

۲- شناخت کافی درباره پان ترکیسم قدیم و جدید دارم.

۳- به علت شرایط خاص جهانی و ژئوپولتیک سرزمین‌مان، نگران واژه جدید وارداتی با نام «قومیت خواهی » برای شکستن وحدت ملی و تبعات آن، نمونه آن را در جهان می‌بینم:

با خصم بداندیش تو هر کو بستیزد
هم رستم و هم بابک شمشیرزنم هست

از نظر نویسنده کتاب، کوروش کبیر خون‌آشام است و چنگیز خان مغول از خاندان اصیل که گوئی باغ نجابت را در ربوده و واجد خصایل حمیده و شریف با روحی شاهانه می‌باشد و مرگ او ضایعه‌ای عظیم برای جهان ،زیرا او مردی بوده فرزانه و محتاط.

از تیغ عدویت به درازای زمان‌ها
بس زخم جگر سوز کهن بر بدنم هست

از تیمور ازبک نیز تجلیل و ستایش شده ولی داریوش بزرگ به علت بریدن گوش و بینی دشمن به باد ملامت گرفته شده است[2]. آن تیموری که از کله دشمنان کوه می‌ساخته است تطهیر و داریوش تخریب می شود.

زیوج جهان هیچ اگر دوست دارم
تر ای کهن بوم و بر دوست دارم

رومن رولان می‌نویسد: «رک و راست سخن **بگو، بی پیرایه سخن بگو، برای آن بگو که مفهوم کردی نه مفهوم گروهی، ظریف و نکته سنج بلکه مفهوم هزاران تن. مفهوم ساده‌ترین، حقیرترین مردم و هرگز از آن نترس که بیش از همه مفهوم کردی، سخنت را بی ابهام و بی پرده بگو، روشن و استوار و در صورت لزوم به زمختی بگو، چه باک از این استوارتر بر زمین بایستی و اگر برای آن که اندیشه‌ات را بهتر رسوخ دهی، حتا یک کلمه‌ات به هدر نرود، نگذار تا بی محتوا و سبک شود»**

اقرار دارم نه محقق هستم، نه مورخ و نه نویسنده حرفه‌ای، من اول ایرانیم، دوم آذری.

«چو ایران نباشد تن من مباد»

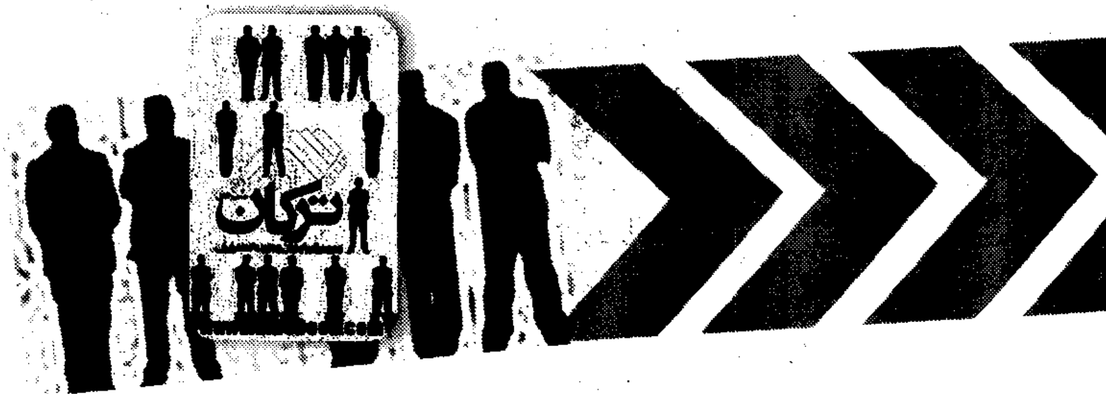
در این کتاب، ترکان برترین نژاد، زبان ترک، همان زبان سومریان و ایلامیان (توران)، مادها و اشکانیان نیز تبار ترک دارند. سومریان اجداد قدیمی‌ترین ترکان به حساب می‌آیند! ممکن است سومریان در اصل مغولی باشند!

آن که باطل را به حق ترجیح داد
خویش را در چشم حق باطل نمود
حق بر جوی و حق بین و حق گذار
راست رو خود را به حق مایل نمود

در این کتاب تمامی نخبگان آذربایجان چون زنده‌یادان احمد کسروی، رضا زاده شفق و تقی زاده خائن هستند، جرم آنان این است زبان آذری را ترکی نمی‌دانند. زنده‌یادان عباس اقبال آشتیانی، دکتر غلامحسین صدیقی و دکتر محمود افشار که به تأیید نویسنده کتاب میلیاردها تومان ثروت شخصی خود را برای ترویج فرهنگ ایرانی وقف کرده، هم‌آوا با بیگانگان هستند! پارسیان فاقد تمدن، فارسی زبان ناقص، ترکی زبان بلیغ گسترده و نژاد ترک بهترین نژاد است، نویسنده مدعی است: «شاه اسماعیل صفوی از ترکی شدن سرتاسر ایران جلوگیری کرده است![3] »

به نظر دکتر گوبلز (رایش سوم) تولد دوباره یافته

۱- اخوان ثالث
۲- ص ۲۰۵ کتاب یاد شده



است!
در این کتاب به شاه اسماعیل صفوی، شاه عباس بی مهری شده و امپراتوران عثمانی ستایش می‌شوند. پارسیان فاقد تمدن و شایستگی و لیاقت و روح جنگنده‌گی هستند و ترکان شجاع...
ایرانیان به درد مستوفی گری و منشی گری ترکان سلحشور می‌خورند و نیز متهم شده‌اند که با محارم خود زنا می کردند. شعری هم از همپالکی پان ترکیست خویش آورده است:

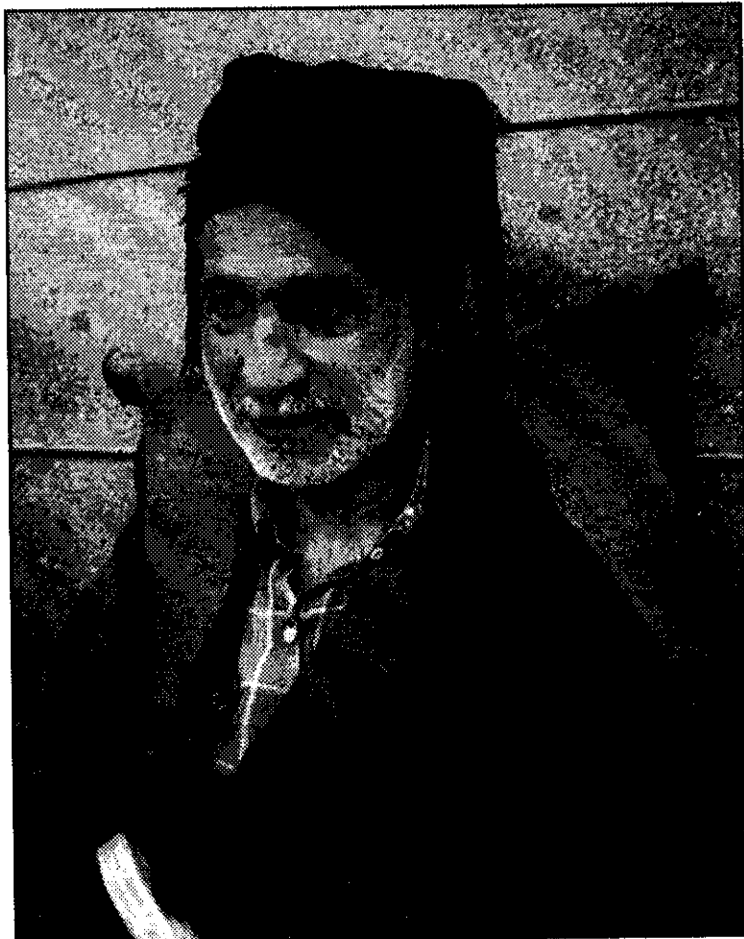
حلالند حوریان سیمین بدن
چه مادر، چه خواهر، چه دختر، چه زن!

نویسنده مدعی است سومریان از آسیای میانه مهاجرت و ۴۰۰۰ سال قبل از کوروش به بین‌النهرین رسیده‌اند. زبان آنان «پروتو ترک» یعنی پیش ترک است!
امپراتور گوک ترکها (ترکان آسمانی) چنین گفته است: تمام ملتها از طلوع آفتاب در شرق تا زمان ظهر در جنوب، غروب آفتاب در غرب و تا نیمه شب در شمال همه تابع من هستند. این ابر قدرت جهانی کیست؟ در کجای تاریخ جهان قرار دارد!
بر این باوریم تا آن زمان که ندانیم در طول تاریخ در مقابل بیگانه‌گان، آشور و بابل ایستاده‌ایم و فراعنه مصر را در زیر فرمان خود آوردیم؟ در مقابل آتن قد علم کردیم. الکساندروس مقدونی را اگر حقیقت داشته باشد اسیر فرهنگ ایرانی کردیم، با روم به کارزار پرداختیم و آن‌ها را شکست دادیم هرگز تاریخ سرزمین مادری‌مان دانسته نخواهد شد و در سرزمینی که مردم آن تاریخ میهن خود را ندانند بزرگسالان چون خردسالان هستند و برعکس. در سرزمینی که مردم تاریخ میهن خود را بدانند خردسالان چون بزرگسالان خواهند بود.
جالب است در مقدمه کتاب یاد شده به این دوستان به عنوان ناسیونالیست‌های افراطی و تمامیت خواه تاخته‌اند و آنان را نژادپرست خوانده‌اند! سپس آمده است: «چرا که مبداء تاریخ نه از زمان تشکیل حکومت‌های بومی در سرزمینی که امروز ایران می‌نامیم بلکه از زمان به حکومت رسیدن هخامنشیان بنیان گذاران، پارسیان هستند شروع می‌شود»[۳]
آیا قبل از ورود آریایی‌ها در سرتاسر ایران ویج حکومت بومی و قومی متحد و متمرکز وجود داشته است که آن را مبنا و مبداء تاریخ ایران زمین بدانیم و نیز به نوشته هرودوت دروغ نویس تاریخ استناد می‌کند که امرد بازی از یونانیان به پارسیان رسیده است.
این نظریه با دکترین نویسنده محترم تطبیق نمی‌کند زیرا بر اساس باورهای ایشان در فلات ایران ابتدا ترکان بودند بعد پارسیان؛ بسیاری نیز عکس نظر هرودوت را دارند از جمله نویسنده کتاب شاهد بازی. چه گونه می شود ابتدا ترکان در این سرزمین اهورایی بوده باشند، اما شاهد بازی از یونانیان به پارسیان رسیده باشد؟ یا تاریخ ایران دروغ است (که هست) و یا ترکان دروغ می گویند (که می گویند).
متاسفانه تاریخ شگرف ایران زمین برای فرزندانش هرگز بازخوانی نشده است. پس می‌شود آن را هرگونه تحریف کرد و برای مقاصد پلید سیاسی به ناآگاهان تزریق نمود. می‌شود برای تجزیه طلبان چون پیشه‌وری اشک تمساح ریخت و او را هم چون چنگیز و تیمور تطهیر نمود و آن ها را قهرمان نامید!
محققین بی‌نظر و بی‌غرض به خوبی می‌دانند که بسیاری از مورخین قدیم و جدید برای هدف‌های سیاسی و ملی خود، دروغ‌گو و فریبکارند. چنانکه موسیو رنان شرق شناس فرانسوی می‌نویسد: «آغاز تاریخ قدیم شرق مطلقاً افسانه‌ای است، ثانیاً تاریخ سیاسی شرق بی معنی و ناچیز می باشد. ثالثاً انسانیت کاملا مفقود شده است، نه صدایی از طبیعت بر می‌خیزد و نه جنبشی راستین و اصیل از مردم، در این دنیای یخین چه می‌توان کرد؟»[۴]
اما تاریخ غرب چیست؟ چپاول، غارت، استثمار ملل آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین، جنایات کلیساها، پاپ‌ها، کاردینال‌ها در قرون میانه و... آقای رنان در این زمینه کور است و کر.
ناپلئون بناپارت می‌گوید: «هیچگاه نباید فراموش کرد آن چه که درباره پیروزی یونانیان در جنگ با ایرانیان نوشته‌اند به تمام از آن یونانی‌ها است که گزافه گویی و لاف زنی آنان مسلم است که افسانه ماراتون و سالامیس از آن جمله‌اند.»
هیاهوی قومیت خواهی برای ایران دوستان تازگی ندارد، دشمنان ایران همیشه در اندیشه‌ی تجزیه ایران بوده‌اند و نمونه‌ی آشکار آن قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ میلادی است. زیرا دشمنان ایران هرگز ایران قوی را نمی‌خواهند و بر نمی تابند.
شمس تبریزی می‌گوید: «چون گفتنی باشد و همه عالم از ریش من در آویزند که مگر نگویم، اگر چه پس از هزار سال باشد و این سخن بدان کس برسد که من خواسته باشم.»
قدیمی‌ترین مناطقی که در فلات ایران ویج جریان باستانی دارد زندگی بدوی در سیالک کاشان و شوش فعلی است.
آشکار است به هنگام ورود مهاجران آریایی مردمان بومی نیز در این فلات می‌زیسته‌اند و در نقاط ما قبل تاریخ تحولی مداوم همراه با تکامل و پیشرفت وجود داشته است. اما موانع طبیعی فلات ایران خود مانعی بوده در راه زندگی شهر نشینی، به هنگامی که در دشت بین‌النهرین گروهی به تشکیل اجتماعات می‌پرداختند وضع طبیعی فلات ایران بسیار نامساعد بوده است. منطقه‌ای که در آن شهرنشینی دارای تسهیلات برای پیشرفت بوده دشت (سوزانا) شوش و جنوب غربی خوزستان امروز که در واقع امتداد دشت بین‌النهرین محسوب می‌شود، امکان‌پذیر بوده است.

۳- ص ۷۵ همان کتاب
۴- ص ۲۱ همان کتاب

نویسنده کتاب فراموش کرده است بنویسد که گروهی از مهاجرین آریایی به هر علت و دلیل فلات ایران ویچ به هندوستان رفتند و با مردم آنجا در هم آمیختند و تمدن هندی را بوجود آوردند.
همیشه نصف حقیقت یک دروغ کامل است و حقیقت ناقص دروغ بی نقص است. آقای راشدی ایلامیان را (توران) می‌نامد. معنای تور به معنای ترک نیست و معانی مختلف دارد. از جمله دلاور، پهلوان، یل. به گونه‌ای که خود زردشت نیز تور بوده و در جنگ شهید می‌شود. تورانیان همان آریایی‌ها هستند و جنگ استوره‌ای ایران و توران جنگ ترک و پارس نیسته در حقیقت یک جنگ داخلی بین دامداران و صحرانشینان و شهرنشینان است، پاره‌ای آن را جنگ مذهبی بین مهریان (میترائیست‌ها) با مزداییان می‌دانند. افزون بر اینکه افراسیاب خود را از نوادگان فریدون دانسته است. تمامی اسامی پهلوانان توران ایرانی است. در مورد ازدواج با محارم کاش محقق دانشمند شناختی هم از نهضت زردشت داشتند. به جای گشتن در ناکجاآباد ترکستان و چین و مغولستان و ازبکستان و ... برای اثبات برتری نژاد ترک نیم نگاهی به کتاب وندیداد می انداختند. آنجا که زردشت می‌گوید: «زناکار بزرگ دشمن و کینه ور اهورا مزدا است، که مزدا را می‌آزارند، زناکار نطفه‌ها را در هم می‌امیزد، دین دار و بی دین، نیک و ناپاک، دیوپرستان و گناهکاران. پس کیفر زناکار مرگ است».

نویسنده پان ترکیست معترض است چرا؟ سبک تکین را در تاریخ غلام زاده دانسته‌اند! زیرا او امیرزاده بوده است! با تعصب افراطی توام با نژادپرستی مفرط به برتری پان ترکیسم پرداخته و به نوشته تحلیل‌گر سیاسی و مأمور CIA آمریکا، آقای ریچارد کاتم آمریکایی نیز برای اثبات عقیده متوسل و می‌نویسد: «کاری که پیشه‌وری در یک سال کرد، رضا شاه در بیست سال سلطنت خود نکرده است» و بیانیه فرقه‌ی دموکرات وابسته به شوروی سابق را «جنبش» دانسته است. کاش سوابق غارت و چپاول عشایر آذربایجان قبل از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را می‌دانستند. که آنان هر از چند گاهی به غارت شهرها و روستاها دست می‌آزیدند. عظمت خانم خواهر امیر عشایر در اردبیل، اسماعیل خان سیمیتقو در خوی و سلماس، کهنه شهر و ... شیخ خزعل در خوزستان چه کرده‌اند. این کتاب به گونه‌ای مشوق نژادپرستی و تفرقه افکنی است و هم یک تبلیغ ایدئولوژیکی سیاسی برای پان ترکیسم، چگونه یک خائن وطن فروش تجزیه طلب را با فردی مقایسه می‌کنند که با کوشش مستبدانه او سرزمین چند تکه ایران یکپارچه می‌شود.
کاش قومیت خواهان درسی از یوگوسلاوی می‌گرفتند، سر این کشور جمهوری فدراتیو را بریدند، جنگ‌های داخلی راه انداختند، به نسل کشی و قوم کشی پرداختند سپس چند تکه‌اش کردند تا ناتو به مرزهای شرقی روسیه برسد. چون تاریخ مصرف قرارداد معروف یالتا تمام شده بود. کاش سوابق جعفر پیشه‌وری را می نوشتند، نام اصلی او چه بود؟ از کجا آمد نماینده مجلس شد؟ چرا اعتبارنامه نمایندگان حزب توده تصویب شد و اعتبارنامه پیشه‌وری رد! شوربختانه برای پیش برد یک سیاست متعفن از یک خائن تجزیه طلب قهرمان ملی می‌سازند! چرا یک شبه شعار اولمک وار و دومک یوخدور چون حباب شد؟ زیرا ارتش سرخ شوروی به دلایلی از حمایت آنان دست کشید و قبل از آنکه ارتش ناآماده به عبارتی منحل شده ایران به محدوده حکومت پیشه‌وری برسد، آنان توسط مردم به آن سوی مرز فراری و یا معدوم گشتند. جالب است نویسنده کتاب یاد شده واژه آذر را هم ترکی می‌داند! لازم است بداند طبق آیین و نوشته‌های اوستایی آذر پسر اهورا مزدا است، جوهر ذات درخشان و فروزان فره ایزدی و کیانی را در خود دارد و مزاج آتشین آریایی را در قدرت و ثروت و لذت نمایندگی می‌کند. امروز همه مردم جهان شاهد قوم کشی در آفریقای مظلوم هستند. قبایل، دولت‌ها و همسایه‌های هم‌جوار که قرن‌ها در کنار هم حتا به هنگام تسلط استعمار و امپریالیسم زیسته بودند و زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند حالا که به ظاهر استقلال یافته‌اند یکدیگر را هزاران هزار می‌کشند، به زنان و دختران یکدیگر تجاوز می کنند و آواره می‌شوند. سلاخی نسل‌ها و نژادها و انسان‌ها در قبیله‌های مختلف رایج‌ترین شیوه برای گریزاندن بومیان اصیل است. باید بدانیم حکومت شاهان ترک در ایران جزئی از تاریخ مشترک ملی ایرانیان است.
غزنویان و سلجوقیان تکیه‌گاه سنگینی بر فرهنگ و تمدن ایرانی زدند. آن‌ها خود را در محاصره ایران‌گرایان سنی و شیعه مذهب یافتند و با همکاری آنان به دربار خود رونق بخشیدند و با استفاده از دانش سترگ ایرانی و خرد اندیشمندان پارسی‌گو بر اعتبار خود افزودند. فراموش نکنیم وقتی بین خواجه نظام الملک آن صدر اعظم بزرگ و یکی از نوابغ مدیریت تاریخ ایران و ملک شاه سلجوقی اختلاف افتاد، خواجه به شاه سلجوقی پیغام داد: آن کلاه سلطنت بسته به این دوات و قلم است.



نویسنده تاریخ ماد را فراموش کرده است. در مکتب پان ترکیسم قوم ماد نیز تبار ترک دارند! غافل از آنکه تاریخ آذربایجان با تاریخ مادها آغاز و دولت پادشاهی ماد چون مقدمه‌ای به تاریخ هخامنشیان پیوسته است. به گونه‌ای که از نظر مورخین یونانی دولت ماد منقرض نشده و پیروزی کوروش در جنگ با مادها به عنوان یک تغییر داخلی یاد شده است . در حالی که یکصد سال بعد یونانیان جنگ خود را با هخامنشیان جنگ ماد نامیده‌اند. حتا در عهد ساسانیان نیز «پیروکپیوس» سردار و مورخ رومی به پارس و ماد اشاره می‌کند. با این که حکومت دولت گونه ماد از نظر زمانی بیش از دو برابر فرمانروایی هخامنشیان بوده است ولی آنان نتوانستند بر سرتاسر ایران مسلط شوند و مورد تجاوز آشور قرار گرفتند[5]. اگر مبداء تاریخ با هخامنشیان آغاز می‌شود به این دلیل است که در زمان کوروش ایران یکپارچه و متحد شده و به صورت یک ابرقدرت مطلق جهانی با حکومتی قدرت مند و دولت مدار در آمده بود. پان ترکیست‌ها معتقد هستند مبداء تاریخی ایران باید زمان مهاجرت سومریان از آسیای میانه باشد! هنوز معلوم نیست این قوم متمدن از کدام نقطه به بین‌النهرین مهاجرت کرده‌اند. بسیاری از محققین بر این باورند که آنان از راه دریا و خلیج فارس به بین‌النهرین رسیده اند. نژاد و مبداء سومریان هنوز مورد اختلاف است. کتاب «سفر پیدایش زمین تورات» سومرها را شنعا خوانده است[6]. بعضی پان ترکیست‌های تاریخ ساز آناهیتا ایزد بانوی اوستایی را هم واژه ترکی می‌دانند زیرا «آنا» به ترکی به معنای مادر است.

آناهیتا یا ناهید فرشته نگهبان آب است. در جهان بینی آریایی پس از آخشیج آتش، آب مقدس‌ترین عنصر از آخشیج‌های چهارگانه‌های طبیعت است. در این کتاب تعصب ترکان عثمانی جای تعصب ایرانی ها را گرفته است. آیا ترکان عثمانی در طول تاریخ نخواسته‌اند آذربایجان را بدزدند؟ و با استفاده از سوء استفاده از ضعف دولت های ایران به آذربایجان تجاوز نکرده‌اند؟ آیا خصومت آنان با دولت صفویان فقط به خاطر مذهب بود؟ بر خلاف فارسی ستیزی هنوز صدها واژه فارسی در زبان ترکی امروز جهان وجود دارد. اینان حتا به واژه های زبان خود و به واژه نامه های ترک زبانان در دانش گاه ها و مراکز علمی خودشان و یا اروپا نیز توجه نکرده اند.

نویسندگان کتاب‌های ۱۲ قرن سکوت و ترکان و مجلات ترکی برای توجیه ادعای خود معتقدند ما آذربایجانی‌ها تحقیر می شویم و حق ما تضییع شده است!

سؤال این است: در کدامین دانشگاه، مرکز علمی، دولتی، تجاری مانع رشد و پیشرفت یک آذری شده‌اند. در تاریخ ایران در نیم قرن اخیر چندین نخست وزیر، وزیر، استاندار و فرماندار آذری قبل از انقلاب و بعد از انقلاب داشته و داریم. دادگستری ایران انباشته‌اند از قضات آذری است. پدر ، استاد و مرشد، نویسنده کتاب ، مدیر مجله وارلیق آقای دکتر جواد هدایت چندین بار وزیر دادگستری، سناتور و ریاست دیوان عالی کشور را داشته‌اند. آیا آن ادعاهای پوچ شرم آور نیست ؟ امروز گروهی برای احیای جسد پان ترکیسم و کردیسم که هر دو در سال ۱۳۲۴ امتحان و وابستگی خود را به شوروی سابق نشان دادند می‌کوشند ولی با نام قومیت خواهی! در جنگ جهانی اول ترکان عثمانی خیال جدایی آذربایجان از پیکر ایران را داشتند و نام مجعول آذربایجان را به سرزمین شمال ارس گذاشتند. وقتی سفیر ترکان عثمانی باب تهدید را گذاشتند مرحوم مدرس خطاب به او گفت:

هر بیگانه وارد خاک ایران شود کشته می‌شود، اگر مسلمان باشد طبق آیین اسلام او را دفن می‌کنیم.

ادامه در شماره آینده

۵- بررسی تطبیقی حمله آشور و تهاجم ضحاک به ایران شماره ۲ ماهنامه مهد ایران مهر

۶- در آیه‌های تورات به شنعا اشاره می‌کند و سرزمین اصلی را نقاط کوهستانی شرق ایران می داند

پان‌ترکیسم زاییده افکار صهیونیستی است

« بخش پایانی »



« داوود مهرانی»

نقدی بر کتاب «ترکان» نوشته ی حسن راشدی

پان ترکیسم و وطن

این ایده که ترکان ملتی بزرگ و هم‌خون مغولان هستند و در گذشته امپراتوری‌های نیرومندی را شکل داده‌اند نخستین‌بار از سوی نویسنده گان غیر ترک و بیش تر یهودی ارایه گردید.

اندیشه ی سیاسی پان ترکیسم (۱) از ایدئولوژی هایی بود که در اواخر حکومت امپراتوری عثمانی میان نخبه گان سیاسی ترک شکل گرفت و گسترش یافت. این اندیشه بر پایه ی تصورات تاریخی و فرهنگی و عمدتا زبانی در صدد متحد کردن همه ی ترکان جهان در یک کشور و در زیر یک حکومت بنام دولت بزرگ ، توران بزرگ یا ترکیه بزرگ بود.عمده تاکید پان ترکیست ها در شناسایی و تعریف عنصر ترک بر پایه و اساس زبان مشترک ترکی شکل گرفته است و براین باور است که هر آن کس که به این زبان گفتگو کرده یا می کنند وابسته به ملت ترک است.

این ایده که ترکان ملتی بزرگ و هم‌خون مغولان هستند و در گذشته امپراتوری‌های نیرومندی را شکل داده‌اند نخستین‌بار از سوی نویسنده گان غیر ترک و بیش تر یهودی ارایه گردید. چرا که در امپراتوری بزرگ عثمانی که متشکل از نژادها و ملت های گوناگون بود،چندان اهمیت و تاکیدی بر عنصر ترک و زبان ترکی وجود نداشت. چنان که بسیاری از یونانی ها و اروپایی ها همانند وزیر بزرگ سلطان سلیمان قانونی (ابراهیم) از مسیحیان مسلمان شده بودند که وارد دربار شده بودند و بسیاری دیگر از امپراتورهای عثمانی از مادران روس و اروپایی متولد شده بودند......

در بسیاری از موارد ترک نام تحقیر آمیزی بود که به مردم روستایی ، بی سواد و نادان آناتولی به عنوان لقبی استهزایی اطلاق می گردید(۲). در این فرهنگ چه از سوی حکومت و چه از سوی مردم تابع امپراتوری، عثمانی (عثمانلی) به شمار رفتن وجه مشترک همه ی اقوام و ملت ها محسوب می شد و مهم این که حکومت عثمانی نیز هدف و برنامه یا خواستی تحت عنوان ترک کردن ملل تابعه را نداشت.

• تئوریسین های غیرترک پان‌ترکیسم

هر چند که امروزه بیش تر نویسنده گانی چون ضیاء گوک آلپ، احمد آقایف، نیهال آتسز و آکچورا از نظریه‌پردازان عمده ی پان ترکیسم و پان تورانیسم شناخته می شوند ولیکن ریشه ی اصلی این مقوله را باید در کتاب ها و نوشته های خاورشناسان غیر ترک یهودی جست و جو کرد.

آرتور لملی دیوید نخستین کسی بود که در سال های ۱۸۱۰ تلاش بسیاری را مصروف شعله ور کردن احساسات ملی گرایانه در میان ترکان و یادآوری قومیت ترکی آنان نمودوی در کتاب بررسی های مقدماتی تلاش داشت به ترکان اثبات نماید که دارای نژاد و ملیت برجسته ای هستند و بر سایر ملیت های تابع عثمانی برتری دارند.القائات دیوید _که از یهودیان انگلستان بود_ پیرامون برجسته گی ترک ها بعدها تاثیر زیادی بر نهضت ترکان جوان گذاشت.در سال ۱۸۵۱ فواد پاشا و جودت پاشا نوشته های دیوید را به ترکی عثمانی ترجمه کردند و علی ساوی آثار دیوید را اساس نوشته های خود در ارتباط با زبان ترکی قرار داد.

دیوید لئون کوهن یکی دیگر از اروپائیان یهودی تبار بود که میل زیادی به نشان دادن برتری ترک ها داشت.وی که تبعه ی فرانسه بود تلاش داشت پیوندهای ترکان با سایر ملل مسلمان را سست نماید و در همین جهت پس از انتشار کتاب خود در زمینه ی تاریخ ترکان(۱۸۹۹) جمعیت هایی متشکل از اعراب و ترک ها را در پاریس دور خود گرد آورد و عملا تلاش کرد افکار ناسیونالیستی را در این ملت ها تقویت نماید. لئون کوهن نیز از یهودی تبار های فرانسه بود. آرمینوس وامبری یهودی مجارستانی که در خدمت دولت فخیمه ی انگلستان قرار داشت از جمله ی خاورشناسانی است که بیشترین تاثیر را در جنبش های پان تورانیستی در همان دوران نخست گذاشت.وی یکی از بخش های کتاب خود بنام درویش دروغین در خانات آسیای میانه را به ترک ها اختصاص داد و برای نخستین بار ادعا کرد مردمی در حد فاصل دیوار چین و بالکان زندگی می کنند که همه از یک ملت بزرگ کهن شمرده می شوند و در گذشته در سرزمینی بزرگ و یه گانه به نام توران روزگار می گذراندند.این کتاب که در سال ۱۸۶۸ در انگلستان چاپ شد سعی داشت به ترکان عثمانی تلقین کند که بر همه ی ملل شرقی برتری دارند و از نواده های چنگیز خان مغول به شمار می روند . در نتیجه بایستی در سایه ی اتحاد ترکی مجد و عظمت گذشته را تجدید نمایند.وامبری فرزند یک روحانی یهودی بود و پس از دوران جوانی به خدمت دولت انگلستان در آمد .تلاش وی رودررو قرار دادن عثمانی و روسیه (جهت ناتوان سازی هر دو) و تکه پاره کردن نواحی عرب نشین عثمانی جهت استیلای اروپایی ها براین منطقه بود.جالب آن که بیشتر سیاست مداران موثر در کمیته ی اتحاد و ترقی از کسانی بودند که در عثمانی به آنان دونمئه (یهودیان مسلمان شده) اطلاق می گردید و مصطفی کمال نیز تحت نظر همین دسته از افراد پرورش یافت.



(1). Turkcuhik

(۲). از جمله ضیاء گوک آلپ در نوشتاری به این مسئله اشاره دارد که شدت سرکوب هویت ترکی در دوران عثمانی بسیار خشن و شدید بوده و از ترک تنها برای نامیدن مردم عامی و بی سواد استفاده می شد.

• اهداف غربی ها و یهودی ها از طرح پان ترکیسم:

هدف یهودیان از ترویج ملی گرایی افراطی و ساخته گی در جامعه ی روشن فکری ترکیه شعله ور ساختن جنگ داخلی و دشمنی میان ترک ها و اعراب و ایجاد بی ثباتی در مستعمره فلسطین و در نهایت به دست گرفتن کنترل اوضاع در اورشلیم به کمک انگلستان بود. توضیح این که پس از نا امیدی یهودی ها از مذاکرات با سلطان عبدالحمید پیرامون واگذاری فلسطین و قدس به یهودی ها صیونیست ها برنامه ی تکه تکه کردن عثمانی و ایجاد جدایی میان و اعراب را طراحی نمودندبر اثر همین دسیسه های صیونیستی و استعماری جنبش ترکان جوان(۳) سازمان دهی شد و در ۱۹۰۸ با به قدرت رسیدن سران این جنبش عبدالحمید برکنار گردیدبنابراین در نتیجه ی سیاست های استعماری و جدایی افکنانه و برتری جویانه کمیته ی اتحاد و ترقی آتش جدایی میان ترک ها و سایر ملل اروپا زبانه کشید و زمینه برای تسلط یهودی ها بر اورشلیم و ارض مقدس هموار گردید.

• پان ترکیسم در عثمانی:

یوسف آکچور اوغلو (آکچورا) یکی از تئوریسین هایی نام آور پان ترکیسم بود که رساله های وی به نام "سه طرز سیاست" اهمیت فراوانی در میان گروه های ملی گرای افراطی ترک یافت.آکچورا که از تاتار های کریمه (روسیه) بود ، زیر تاثیر مستقیم پان اسلاویسم قرار داشت. کتاب وی برای نخستین بار در قاهره به چاپ رسید و به تدریج اهمیتی در درجه ی مانفیست پان ترکیسم پیدا کرداز نظر وی تنها مبنای هستی واحدی که آنرا ملت ترک می نامید ،عبارت بود از ترک گرایی(پان ترکیسم).

ضیاء گوک آلپ _ که مادر وی کرد تبار بود_از اندیش مندان متأخر پان تورانیسم محسوب می شود که مقام و جای گاه ویژه ای در میان پان ترکیست ها دارد و پدر پان ترکیسم لقب گرفته است. از نظر وی میهن ترکان نه ترکیه است و نه ترکستان بلکه توران بزرگ کشور جاودانی آنان محسوب می شود.وی برای پیشبرد آمال خود تئوری هایی در زمینه ی اقتصاد،جامعه شناسی و سیاست و... ارائه داد که هر کدام باب ویژه ای در زمینه ی پان ترکیسم محسوب می شود.

نیهال آتسز یکی دیگر از تئوریسین های جدید پان ترکیسم بود که اعتقاد داشت

[illegible]

گروه های انسانی را باید بر اساس زبان تقسیم بندی کرد و بر این اساس است که نژاد و نسب ترکها و مغول ها به ریشه ی یکسانی می رسدباو در مقاله ای با عنوان " ترکها از کدام نژاد هستند؟" می نویسد: « مغول هرچه قدر هم وحشی و بربر باشد دست کم صاحب مزیت هایی است که یک سرباز و جنگ جو داردو از سوی دیگر قرابت ترک و مغول امروزه یک حقیقت علمی به شمار می رود.تاریخ و خون این دو بقدری با هم آمیخته است که بررسی جداگانه ی ویژگی های ایشان نا ممکن است»(۴) وی در فرازی از همین مقاله اشاره ی ضمنی دارد به این که ملت ترک دارای تمدن کهن سالی نبوده اند برای مطرح شدن در جهان چنین موضوعی ضرورتی ندارد:

« امروزه برای مطرح شدن به عنوان یک ملت متمدن نیازی نیست ثابت کنیم ملتی بوده ایم که تمدن پیش از میلاد مسیح داشته ایم.همان طور که ملت های امروزین اروپا چنین نیستند... به کودکان مان می گوییم پدران تان به دلیل زندگی در سرزمین های سرد و خشن و میان ملل پرجمعیت بجنگ جویان و سربازان فوق العاده ای شده و زندگی شان صرف جنگ با طبیعت و سایر ملت ها شده است. در عین حال هر زمان که فرصتی پیدا می کردند تمدن های والایی بر پا می نمودند ولیکن آن برتری را که در جنگ و سربازی به دست آورده اند هنوز در میدان تمدن کسب ننموده اند» (۵)

• نهاد های نخستین پان ترکیسم:

از نهادهای عمده ای که در اواخر عثمانی با ایده ی ترک گرایی گام در عرصه ی اجتماع نهاد " ترک درنگی " در سال ۱۹۰۸ بود که در اسلامبول تاسیس شد.این انجمن ترویج ترکی عثمانی در میان ملل بی گانه به ویژه در میان ترکان بالکان ،ایران،روسیه ،چین ،تاتریش و... را در برنامه ی کاری خود قرار داد. در سال ۱۹۱۲ ترک درنگی جای خود را به "ترک اجاقی" سپرد.این انجمن نیز در بیانیه ی خود پیشبرد آموزش ملی و ارتقای سطح علمی و اجتماعی ترک ها را که در صدر ملل اسلامی قرار دارند دانسته و تلاش برای بهبود نژاد و زبان ترکی را برنامه ی خود اعلام کرد.

پس از شکست عثمانی در جنگ دوم جهانی و واگذاری سرزمین های غربی به اروپا در زمان حکومت کمیته ی اتحاد و ترقی و بنیان گذاری ترکیه ی نوین با مرزهای کنونی در سال ۱۹۲۳ به وسیله ی مصطفی کمال پاشا تب ناسیونالیسم الحاق گرایانه تا حد زیادی فرو کش کرد.آتاترک تلاش می کرد برای خشنودی کشور های همسایه به صورت صریح به پان ترکیسم دامن نزند و بیشتر تلاش خود را مصروف نوسازی داخلی جمهوری نوپای ترکیه می نمود.از جنگ جهانی دوم به این سو نیز ترکیه به دلایلی از سیاست های پان ترکیسم دست کم در ظاهر گریزان بود . در این دوران سرلوحه ی سیاست خارجی ترکیه را اروپایی شدن و غرب گرایی تشکیل می داد.از سوی دیگر قدرت شوروی و ایران مانع نفوذ ترکیه در قفقاز و سرزمین های به اصطلاح ترک نشین(آسیای میانه) در آن دوران شد.به همین دلیل ترکیه در ظاهر چندان فعالیتی در راستای سیاست های الحاق گرایانه از خود بروز نمی داد و بیشتر انرژی خود را مصروف سرکوب جنبش های کردی و ترک کردن کردها می نمود.

Genc Turkler.(3)

(4). Moğol, ne kadar medeniyetsiz ve barbar olursa olsun, hiç olmazsa hakiki bir askerin meziyetlerine maliktir. Halbuki, Türk-Moğol akrabalığı bugün ilmi bir hakikattir. Bunları tarihleri ve kanları o kadar birbirine karışmıştır ki, ayrı ayrı tetkik edilmelerine imkan yoktur. (Atsız (Mecmua, 1931, Sayı: 6

(۵). نیهال آتسز، پیشین.
Bugün medeni bir millet olarak yaşamak için, İsa'dan önceki asırlarda bir medeniyet yaratmış olmaya lüzum yoktur. Nitekim, bugünkü Avrupa milletlerinin hiç biri böyle eski bir medeniyete sahip değillerdir. .... Türk yavrularına gayet açık olarak söylemeliyiz ki: "Senin ataların çorak topraklarda, sert iklimlerde ve kalabalık milletlerin arasında yaşadığı için, mükemmel asker olmuş ve ömrü tabiatla ve milletlerle savaşarak geçmiştir. Buna rağmen fırsat bulduğu zaman, yüksek medeniyetler kurabilmiştir. Fakat askerlikte kazandığı yüksekliği, henüz medeniyet sahasında göstermeğe vakti olmamıştır".

این در حالی است که تمام نویسنده گان پان ترکیست در ترکیه تا این روز تلاش کرده اند کارنامه و تمدن باستانی کهنی برای خود بتراشند و اگر چنین چیزی پیدا نکرده اند از طریق ترک وانمود کردن سایر ملت های باستانی از جمله سومر و ترک اعلام کردن بزرگان سایر ملل از جمله ابوریحان بیرونی ، پور سینا ، نظامی ، ابو مسلم خراسانی، فارابی، مولوی بلخی و... کمبود و خلا فرهنگی و شهری گری خود را جبران نمایند.

Millietci Hareket Partisi.(6)

• حزب حرکت ملی MHP

همانند امروز هنگام بنیان گذاری جمهوری لاییک ترکیه در ۱۹۲۳ در آن روزگار نیز ارتشیان و افسران ارتش ترکیه (اردو) دارای روحیه ی بالای پان ترکی بودند و برای تسکین دادن شکست های ناشی از جنگ جهانی به دامان این افکار چنگ می زدند . در نتیجه همکاری های نزدیکی با گروه های سیاسی پان ترکیست برقرار می کردند.پس از درگذشت آتاترک و گذار از دوران تک حزبی، احزاب چندی در ترکیه تشکیل شدند .حزب حرکت ملی (۶) که اکنون نیز در صحنه ی سیاسی ترکیه حضور دارد یکی از احزابی بود در آن دوران توسط آلپ ارسلان تورکش بنیان گذاری شد.

• کارنـامه ی آلـــپ ارسـلان تورکش:

تورکش در سال ۱۹۳۹ با درجه ی سروانی از مدرسه ی جنگ پیاده نظام دانش آموخته شد و در سال ۱۹۴۴ به درجه ی سرهنگی رسید.در همین سال به همراه نیهال آتسز به اتهام نژادپرستی و پان تورانیسم محاکمه و به ۹ ماه و ۱۰ روز حبس محکوم شد.در همان سال نخست زندان با حکم دادگاه نظامی آزاد و در سال ۱۹۴۷ از اتهامات وارده تبرئه شد.تورکش در سال ۱۹۴۸ دانشکده ی افسری را به پایان رساند سپس به امریکا فرستاده شد و در امریکا تحصیل کرد. در سالهای ۵۷– ۱۹۵۵در واشینگتن در کمیته ی دایمی ناتو به عنوان "هموند هیئت نماینده گی ستاد مشترک ارتش ترکیه " انجام وظیفه نمود. در این سال نیز به تحصیل در رشته ی اقتصاد بین الملل پرداخت.در سال ۱۹۵۹ به آلمان فرستاده شد و سپس به عنوان فرمانده نیروی زمینی ناتو (مدیریت شعبه ترکیه) ارتقاء یافت و به درجه آلبای در ارتش ترکیه نائل گردید.

تورکش در کودتای ۱۹۶۰ ارتش علیه دولت ادنان مندرس در کمیته ی رهبری کودتا (۷) عضو بود.هم چنین جزو ۸ نفر از افسرانی بود که کودتای ۲۷ می ۱۹۶۰ را طراحی و اجرا نمودند(۸).تورکش اعلامیه ی کودتا را شخصا از رادیو خواند و از آن پس نامش بر سر زبان ها افتاد.وی به علت اختلاف نظرهای داخلی با سایر اعضا از کمیته اخراج و به عنوان مشاور سفیر به دهلی نو فرستاده و از ارتش نیز بازنشسته اعلام گردید.وی در سال ۶۳ انجمن صلح و پیشرفت را با هدف گردهم آوردن نیروهای ملی گرا بنیانگذاری کرد.در این سال با طلعت آیدمیر و فتحی گورجان که در تدارک کودتای دیگری بودند وارد همکاری شد ولی به علت به توافق نرسیدن با آن دو کودتا را به دولت گزارش کرد.تورکش در دادگاه نظامی به جرم سازماندهی کودتا محاکمه ولی به جهت لو دادن آن تبرئه گردید.

> **دیوید لئون کوهن یکی دیگر از اروپائیان یهودی تبار بود که میل زیادی به نشان دادن برتری ترک ها داشت. وی که تبعه ی فرانسه بود تلاش داشت پیوندهای ترکان با سایر ملل مسلمان را سست نماید**

در سال ۱۹۶۵ به همراه چند تن از اعضای پیشین کمیته ی اتحاد ملی "حزب جمهوری خواه ملت روستایی C.K.M.P را تاسیس کرد و به عنوان نماینده مردم آنکارا وارد مجلس شد.در سال ۶۹ حزب وی به نام حزب حرکت ملی تغییر نام و نشان سه هلال ماه را به جای نشان ترازو سمبل حزب قرار داد.در سال های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ به عنوان نماینده مردم آدانا در مجلس حضور داشت.تورکش پس از کودتای ۱۹۸۰ که زد و خورد های پان ترکیست ها با گروه های چپ گرا علت اصلی آن بود زندانی شد و تا سال ۱۹۸۵ در حبس بود.او تا سال ۱۹۸۷ از فعالیت سیاسی ممنوع شده بود ولی در این سال با ورود به حزب کوشش ملی M.G.P بار دیگر وارد میدان سیاست شد و در سال ۱۹۹۱ وارد پارلمان گردید.در سال ۹۳ با لغو قانون ممنوعیت فعالیت احزاب نام کوشش ملی را به حزب حرکت ملی تغییر داد . در انتخابات ۱۹۹۵ نتوانست وارد پارلمان شود و به نگارش کتاب روی آورد. آلپ ارسلان تورکش در سال ۱۹۹۷ بر اثر سکته قلبی درگذشت.

• کارنامه ی حزبی و انتخاباتی حزب حرکت ملی پیش از مرگ تورکش:

حزب حرکت ملی (تاسیس ۱۹۶۹) در دهه ی هفتاد میلادی بزرگ ترین سنگر نیروهای پان ترکیست به نام گرگ های خاکستری در ترکیه بود.این حزب دوبار در دولت های ائتلافی موسوم به جبهه ی ملی گرا به رهبری سلیمان دمیرل در سال های پایانی دهه ی هفتاد شرکت کرد و تورکش سمت معاون نخست وزیر را کسب نمود.در پایان دهه ی هفتاد میلادی درگیری های مسلحانه ی این حزب با چپ گرا ها سبب کشته شدن پنج هزار نفر گردید به طوری که در روزهای واپسین پیش از کودتا به طور متوسط روزانه بیش از ۳۰ نفر به قتل می رسیدند.پس از کودتای ۱۹۸۰ تورکش به همراه بسیاری دیگر از رهبران سیاسی مانند دمیرل ،اربکان و اجویت دستگیر و زندانی شد.پس از آزادی او از زندان تلاش های سیاسی حزبش تا مدتی در قالب حزب کوشش ملی پی گیری شد.این حزب پس از کودتای ۱۹۸۰ در جامعه ی ترکیه با افول شدیدی روبه رو شد.M.H.P در انتخابات پارلمانی ۲۹ نوامبر ۱۹۸۷ کمتر از ۳ درصد آرا را به دست آورد.در انتخابات ۲۰ اکتبر ۱۹۹۱ وارد انتخابات نشد (هرچند تورکش به عنوان کاندیدای مستقل از شهر یوزقات راهی مجلس شد).در انتخابات شهرداری ها در سال ۱۹۸۹ نیز توانسته بود ۴/۳ درصد آرا را کسب نماید.در انتخابات ۱۹۹۵ حزب حرکت ملی با به دست آوردن ۸ درصد آرا موفق به ورود به پارلمان نشد.هرچند پس از سقوط دولت ائتلافی چیللر _ اربکان در سال ۱۹۹۵ و استعفای نماینده های حزب راه راست و پیوستن آنان به این حزب توانست صاحب دو کرسی در مجلس گردد ولیکن پس از مرگ تورکش M.H.P تا انتخابات سال ۱۹۹۹ نتوانست پیروزی چشمگیری در عرصه ی سیاست انتخاباتی نشان دهد.

M.H.P خواهان پای بندی به سنت های دیرین ترکیه و کمک به جوامع ترک نشین به مانند ترک های قفقاز و ترکان اویغور چین است.این حزب از طریق کمک های مالی به گروه های قوم گرای سایر کشورها شبکه زیرزمینی فعالیت های پان ترکی را پس از فروپاشی شوروی تشکیل داده است.

با مرگ تورکش "دولت باغچه لی " در سال ۱۹۹۷ طی یک کنگره ی اضطراری به رهبری حزب بر گزیده شد.وی متولد سال ۱۹۴۷ در شهر عثمانیه می باشد و در رشته ی اقتصاد تحصیل کرده. باغچه لی در جوانی در انجمن های ملی گرای اولکو اوجاقلاری (اولکوجولر) فعالیت چشمگیری داشت.در سال ۱۹۷۰ به دبیر کلی فدراسیون ملی دانشجویان ترک

(۷)کمیته ی اتحاد ملی M.B.K که تا تحویل حکومت به دولت غیرنظامی هدایت کشور و دولت را در دست داشت.

(۸)کودتای ۱۹۶۰ از سوی گروهی از نظامیان به رهبری ژنرال کمال گورسل علیه دولت ادنان مندرس صورت گرفت. گورسل تا یک سال پی از کودتا خودش حکومت را اداره می کرد و هم به تنهایی وظایف ریاست جمهوری و نخست وزیری را بر عهده داشت. از سال ۶۱ تا ۶۴ عصمت اینونو (از بنیانگذاران ترکیه نوین و همکار نزدیک آتاترک و دبیر کل حزب جمهوری خلق) بر کرسی نخست وزیری تکیه زد . گورسل تا سال ۶۴ رئیس جمهور ترکیه بود.در اثر کودتای ۲۷ می ۱۹۶۰ همه ی اعضای دولت مندرس و حزب دموکرات از کار بر کنار شدند و مندرس و چند تن از اعضای کابینه ی وی از جمله احمد پولاد کان به جوخه های اعدام سپرده شدند.

(۹)نامه ی آلپ ارسلان تورکش از زندان. این نامه از سوی بسیاری از نشریات ترکیه در آستانه ی انتخابات ۲۰۰۷ به چاپ رسید.بخش هایی از آن نامه حاوی این مطالب است:

Bunlar milliyetçilik yolunda, geçmiş yıllarda sessizce hizmet vermişlerdir. A.G., A.A. tarafından gösterilen hatalı davranışı anlamak mümkün değildir. Devlet Bahçeli'nin bunlarla aynı davranışa girişmesi mümkün şey. Devlet Bahçeli, MİT'dendir. Arkadaşlarımız MİT'den uzak olmalı, bunlara hiç itimat etmemelidir.

رسید و در مبارزات دانشجویی شرکت نمود. پیش از پیوستن به M.H.P به دبیرکلی حزب ملی گرای کار برگزیده شد. در زمان حیات تورکش به M.H.P پیوست و تا معاونت دبیرکل پیش رفت.

در مورد دولت باغچه لی نکته ی قابل توجه این است که وی در واقع پیش از یک سیاست مدار، مامور سازمان اطلاعاتی ترکیه (میت) در حزب حرکت ملی به شمار می رود. در آستانه ی انتخابات ۲۰۰۷ نامه ای از آلپ ارسلان تورکش در مطبوعات ترکیه منتشر شد که در آن باغچه لی از سوی تورکش مامور میت در حزب حرکت ملی دانسته شده بود. تورکش هم چنین دراین نامه که در سال ۱۹۸۳ به یکی از همفکران خود نوشته بود، باغچه لی به عنوان یک عنصر غیرقابل اعتمادی یاد کرده است.

M.H.P توانست در انتخابات آوریل ۱۹۹۹ پس از سال ها با اقتدار بیشتری وارد پارلمان شود و با داشتن ۱۲۹ کرسی در پارلمان در دولت ائتلافی بلند اجویت شرکت کند.

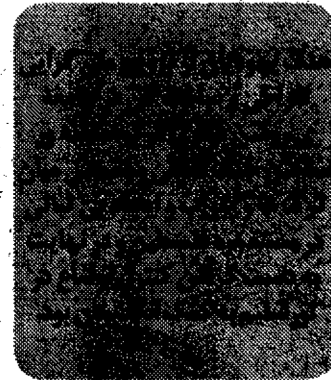
پیروزی این حزب در این دوره از انتخابات به دلیل افول ناگهانی دو حزب رفاه و راه راست و باز شدن عرصه برای سایر احزاب و نیز دستگیری عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک در کنیا بود.

با سقوط دولت ائتلافی اجویت در سال ۲۰۰۲ و پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه، M.H.P از ورود به مجلس بازماند و در حد فاصل سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ فعالیت زیادی در صحنه ی سیاست ترکیه از خود نشان نداد.

دومین موفقیت نسبی حزب حرکت ملی در انتخابات سال ۲۰۰۷ بود که توانست با کسب ۱۴ درصد آرا بیش از ۷۰ نماینده وارد مجلس نماید. حملات و خشونت های فزاینده پ.ک.ک در این دوره نیز باعث افزایش گرایش های ملی گرایانه میان مردم و سرازیر شدن آرا به سوی M.H.P شد. از سوی دیگر ائتلاف ناموفق حزب راه راست و حزب مام میهن که ابتدا با تبلیغات زیادی اعلام شد ولی سپس با موانع حقوقی روبه رو گشت و در نهایت سبب از دور خارج شدن مام میهن از گردونه ی انتخابات گردید سبب افزایش اقبال M.H.P بود.

• بهره سخن:

هرچند امروزه بسیاری از روزنامه نگاران و سیاست مداران ترکیه با نگاه واقع بینانه به مسایل روز تا حد زیادی از پان تورانیسم فاصله گرفته اند و بیشتر نیروهای ملی ایده ی کمالیسم را مد نظر دارند و لیکن نهاد هایی چون ارتش و سازمان های اطلاعاتی و زیر زمینی و انجمن های اولکو اوجاقلاری و بنیاد تورکش از بنگاههای اجتماعی هستند که به پان ترکیسم دامن می زنند. بسیار دیده شده که افسران رده بالای « اردو» پس از بازنشسته گی دست به تاسیس گروه های پان تر کیستی می زنند و با جذب نیروهای اجتماعی در جامعه عرض اندام می نمایند.



وجود این نهادها و چنین تحرکاتی نشانگر این واقعیت است که هنوز بخشی از بدنه ی سیاسی جامعه ی ترکیه (هرچند محدود) حاضر به پذیرش بسیاری از واقعیت های جهانی نمی باشند از سوی دیگر دولت های لاییک ترکیه با در پیش گرفتن برخی سیاست های خارجی ثابت کرده اند هنوز رسوباتی از سیاست های الحاق گرایانه را در ذهنیات خود دارا می باشند. گذشته از برخی اقدامات فرهنگی ترکیه در همین زمینه ها مساله ی اشغال قبرس سیاست تنظیم شده ی تورقوت اوزال (رئیس جمهور اسبق) پس از فروپاشی شوروی در قفقاز و آسیای میانه دلیل این مدعا است. از اقدامات آشکار ترکیه در زمینه ی ترک گرایی دشمنی با ارمنستان و نپذیرفتن مسئولیت کشتار یک و نیم میلیون ارمنی توسط پان ترکیست های کمیته ی اتحاد ترقی در زمان عثمانی ، حمایت از دولت باکو در مناقشه ی قره باغ و مهم تر از همه برگزاری نشست های توزک سوی (ترک نژاد) می باشد. این نشست ها که عموما در آنکارا یا استانبول در سطح سران عالی رتبه ی کشور ها برگزار می گردد از زمان فروپاشی شوروی تا سال ۲۰۰۰ با میزبانی ترکیه انجام می پذیرفت. پس از یک وقفه ی شش ساله در سپتامبر ۲۰۰۶ هفتمین نشست این اجلاس در آنتالیا برگزار گردید. هر چند حضور سران کشورهای ترک زبان در این سلسله نشست ها با کمک مترجم موجب شگفتی و تمام این جریان از سوی سایر کشور ها شد ولیکن دال ّ این حرکت، اثبات و نمودار وجود بارقه هایی از گرایش های رمانتیک پان ترکی در میان سیاست مداران ترکیه می باشد.

در حال حاضر تمرکز سیاسی و البته نا موفق ترکیه در آسیای میانه سبب شده است این کشور نتواند آن طور که باید انتظار داشت در این منطقه نفوذ عمیق داشته باشد. در حالی که کشورهایی چون هند و چین نبض بازار اقتصادی آن منطقه را در دست گرفته اند .ترکیه با سیاستی نا پخته و مه آلود کم ترین نقش اقتصادی و تاثیر سیاسی را در میان کشور های آسیای میانه _ که تورقوت اوزال نقش برادر بزرگتر این دولت ها را برای ترکیه در نظر گرفته بود _ را داراست.

پایان

منابع:
• احمد کاظمی، امنیت در قفقاز جنوبی، موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران
• احمد کاظمی، پان ترکیسم و پان آذریسم، موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران
• جاکوب لاندروپ، حمید احمدی، پان ترکیسم یک قرن در تکاپوی الحاق گری
• ارمنستان و مسائل امنیتی در قفقاز جنوبی، گرانیک استریان، فصلنامه آران شماره ۷